

(۱)

خاستگاه تاریخی ایل قاجار

از مجموعه

تاریخ و شناخت جامعه معاصر ایران

دکتر ناصر تکمیل همایون



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه: تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۱۵ -
عنوان و نام پدیدآور: خاستگاه تاریخی ایل قاجار/ ناصر تکمیل همایون.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۰۷ص.
فروست: مجموعه تاریخ و شناخت جامعه معاصر ایران؛ ۱.
شابک: دوره 2-978-964-426-652 : : 2-978-964-426-649
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: قاجار
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸ت ۹۸/۱۳۱۵ DSR
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۰۵۹۲



خاستگاه تاریخی ایل قاجار

مؤلف: دکتر ناصر تکمیل همایون
ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیر نشر: ناصر زعفرانیچی
ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع
نسخه پرداز: فرزانه صادقیان
آماده سازی: عرفان بهار دوست
نمونه خوان: سیده فاطمه سهیلی
حروف نگار و صفحه آرا: معصومه اوابی
چاپ اول: ۱۳۹۲
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: تفرید
ردیف انتشار: ۸۰-۹۱

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

شابک دوره ۲-۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۶۵۲-۲

شابک ۲-۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۶۴۹-۲

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

درآمد

تاریخ دوره معاصر ایران به واقع از آغاز دوره سلطنت قاجاریه آغاز می شود و تا زمانی که تاریخ کنونی شکل ابتدایی خود را پیدا می کند، ادامه دارد. به همان سان که تاریخ کنونی، یعنی آنچه امروز بر جامعه ایران می گذرد و بخش عمده اش معلول تاریخ معاصر ایران است، سرگذشت تاریخ معاصر نیز معلول گذشته هایی است که بنای تاریخ دوره مزبور را پدید می آورد.

تاریخ معاصر ایران با تلاش های ایل و ارماقات قاجاری و سلطنت آن ها و شیوه های پدیداری و هنجاریابی آن ارتباط مستقیم دارد و به عبارتی مخلوق دوره ای است که تاریخ جدید نامیده شده و سر آغاز آن عصر صفویه و شکل گیری اتحادیه قزلباش است. بدین سان معلوم خواهد شد که چرا از گذشته های دورتر سخن به میان آمده و بنیان تاریخی نهاد مسلط بر ایران از دوره های پیشتر مورد بررسی قرار گرفته و شیوه های هویت یابی اجتماعی و تاریخی انتقال عصر میانه به دوران معاصر، به محک شناخت درآمد است.

بدیهی است که اولین دگرگونی عامل های «برون جامعه ای» اثرات منفی و ویرانگرایانه خود را پدید آورده بود و هرچه زمان می گذشت و استعمار در مناطق مشرق زمین، استواری پیدا می کرد، اثرات یادشده چشمگیرتر می شد که در سقوط اصفهان و انقراض سلسله صفویه نشانه های روشن تری از آن دیده می شد.

ایران با تشکیل سلسله صفویه عصر جدید تاریخی خود را آغاز کرد و با پایان دادن به حکومت های ملوک الطوائف سلسله واحد و سراسری ایران را پدید آورد که به تحقیق عوامل تشکیل دهنده آن با داشتن جنبه های کارساز ایدئولوژیک پاره ای آسیب های جدایی و چندپارگی ها را نیز ظاهر ساخت. به دیگر سخن با اینکه یگانگی و وحدت بخش عظیمی

از جامعه در لوای تشیع حکومتی محفوظ ماند. اما بخش هایی از جامعه نیز خود را خارج از امپراتوری یافتند.

صوفیان اردبیل که در مسیر زمان به نوعی تشیع روستانی - ایلیاتی دست یافته بودند در پناه ارتش نسبتاً منظم و سازمان یافته بر مذهب به نام «قزلباش» حرکت سیاسی و نظامی خود را آغاز کردند. در آن اتحادیه تاریخی نیرومند «طوایف قاجار» سهم بسزایی داشتند و اگر نیرومندتر از دیگر ایلات هفت گانه نبودند، اما مطیع تر و وفادارتر از همه به شمار می رفتند و وفاداری و هماهنگی خود را با «مرشدان سلطنت» همواره حفظ کرده اند. از اختلافات و منازعات سیاسی و رقابت های گوناگون سران قزلباش، دوری کرده اند به گونه ای که از مشروعیت سلطنتی و تاریخی سلسله صفویه، برخوردار می یافتند.

این کتاب بررسی و مطالعه اصلی ریشه یابی ایل و اویماقات قاجاری، شناخت سران و بزرگان آنان و چگونگی شیوه های همکاری و هماهنگی های استراتژیک آنان با سلاطین صفویه است. و از گذشته های دور دوره های نومادیسیم (Nomadisme) اولیه طوایف ترک و ترک زبان آغاز شده و طی فصول ده گانه، حیات اجتماعی و سیاسی ایل قاجار را به دوران آشوب پس از سقوط اصفهان رسانده است.

جا دارد مؤلف از مسئول محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بویژه آقای ناصر زعفرانچی ریاست کاردان انتشارات پژوهشگاه قدردانی به عمل آورد و نیز از زحمات خانم فرزانه صادقیان در حروف چینی و صفحه آرایی و سرکار خانم یاسمین سهیلی در اصلاح اغلاط و تهیه فهرست مطالب و اعلام گوناگون و کتابنامه صمیمانه سپاسگزاری کند.

پیش سخن

بحث درباره «تاریخ» و «تاریخ پژوهی» و «تاریخ نگاری» از کهن ترین روزگاران مورد توجه دانشمندان و علاقه مندان به شعب علوم قرار داشته است و در اینکه تا چه مقدار علم جنبه مشاهده ای و تجربی و صیغه دهنی دارد و «قانون» و «قانونمندی» آن چگونه است یا چگونه باید باشد، گفت و گو شده است.

متقدمان تاریخ دان، در ماهیت و تعریف این چگونگی نظرهای گوناگونی ابراز کرده اند و به زبان ساده تر تاریخ را مطالعه گذشته جامعه های انسانی تعریف کرده اند و گذشته جامعه انسانی را به یک معنا، «تحول نهادهای گوناگون جامعه و ساخت یا ساختواره های اجتماعی دانسته اند»، به سخن دقیق تر، تاکنون «موضوع علم تاریخی بررسی کامل زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مردم یک جامعه شاکته شده است، و به تحقیق در این مسیر، «بررسی پدیده های گوناگون بازمانده از آنان و عامل های روشنگر زوایای پنهان جامعه و حرکت آن» نیز مورد توجه خاص قرار دارد.^(۱)

گذشته انسانی به لحاظ زمینه های گوناگون (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) به نوعی قابل بررسی است و به لحاظ زمانی (ادوار تاریخی) به نوعی دیگر مورد تدقیق و توجه است. مطالعه تاریخ ایران در چارچوب محتوای عمومی و اجتماعی (Dan L'Ensemble) به دوره های چندی تقسیم شده که بعضی از آن دوره بندی ها سلیقه ای و برخی مبتنی بر عقیده و ایدئولوژی خاص است. تقسیم بندی مورد قبول نسبی نگارنده، بی آنکه تعصبی در پذیرش آن باشد، به شرح زیر است (که البته به بحث و تبیین بیشتری نیاز دارد).

۱. دوره پیش تاریخی (قبل از تاریخ): بررسی مطلق باستان‌شناسی و انسان‌شناسی

باستانی

۲. دوره ایران باستان (ایلامی‌ها، مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان): بررسی اسناد و مدارک تاریخی گوناگون و مؤثر باستانی.

۳. دوره ایران اسلامی (از ورود اسلام به ایران و تشکیل دولت‌های ایرانی و ترک، اعم از محلی و سرتاسری): بررسی اسناد و مدارک و نوشتارهای تاریخی و یادمان‌های گوناگون

۴. دوره میانه (از ورود مغولان به ایران و تشکیل دولت‌های ایلخانیان و تیموریان و ملوک الطوائفی محلی): بررسی اسناد و مدارک و نوشتارها و تألیفات و یادمان‌های تاریخی.

۵. تاریخ جدید ایران (از شکل‌گیری سلطنت صفوی و پدید آمدن آشنایی‌های جدید با مغرب زمین و حرکت جامعه به سوی اندریافت هویت سیاسی «ملی»): بررسی اسناد و مدارک و نوشتارهای تاریخی خودی و غیرخودی و انواع یادمان‌ها و بازمانده‌های مادی و غیرمادی فرهنگی.

۶. تاریخ معاصر ایران (از آغاز دوره سلطنت قاجار و حضور ایران در صحنه سیاست‌های جهانی و هماهنگی و همگامی تاریخ ایران با تاریخ کشورهای نیرومند اروپایی به صورت کارا یا انفعالی): بررسی اسناد و مدارک بسیار و تألیفات گوناگون خودی و غیرخودی و انواع یادمان‌ها و بازمانده‌های مادی و غیرمادی فرهنگی.

۷. تاریخ کنونی ایران (از زمانی که حب و بغض‌های عقیدتی نفوذ خود را از دست نداده و اسناد و مدارک دقیق تاریخی نیز ناپیداست): بررسی این دوره بر پایه پاره‌ای از اسناد و مدارک دقیق یا غیردقیق، خاطرات، نوشتارهای مبتنی بر یافته‌های نامطمئن جامعه‌شناسی (ذهنی) و پژوهش‌های سیاسی اغلب جانبدارانه است که گاه در برخی نهادهای کمتر حکومتی و دورتر از گرایش‌های سیاسی و عقیدتی اعتبار بیشتری دیده می‌شود. بررسی‌ها و مطالعات این دوره در درازمدت (و با پایان یافتن مراحل حب و بغض و در دسترس قرار گرفتن اسناد و مدارک داخلی و خارجی) همانند تاریخ معاصر می‌تواند مرجع پذیرش و تحقیق قرار گیرد.

موضوع مورد بررسی در این سلسله آثار نوشتاری، تاریخ معاصر ایران است و تحلیل و تبیین ایران عصر قاجاریه و دوره پهلوی به محک شناخت در خواهد آمد. اما پیش از ورود به این دوره، تمایل به ریشه‌یابی نهاد سیاسی و دست‌اندرکاران آن که همانند بسیاری از سلسله‌ها، از نظام ایلی و عشیره‌ای حرکت خود را آغاز کرده‌اند، و کمتر مورد توجه تاریخ‌نگاران امروزی قرار گرفته است، موجب گردید که این جلد اول از گذشته‌های دورتر آغاز گردد.

ریشه‌یابی تاریخی - از دوران پیش از اسلام، ایرانیان در جماعت‌های گوناگون و پراکنده (قوم‌ها، تیره‌ها، خاندان‌ها) زندگی می‌کردند و بی‌تردید، فزون بر حیات شهری و معیشت روستایی، در بسیاری از مناطق، شیوه‌های کوچ روی و زندگی متحرک را برگزیده بودند. این نوع زیست‌را، ایرانیان که از آغاز مهاجرت‌های دیرینه با آن آشنا بودند، به خاطر خودکفایی‌های نسبی اقتصادی و پیوندهای اجتماعی وسیع‌تر و قوی‌تر (ملی) در سراسر کشور پدید آورده بودند.

پس از سقوط ساسانیان و ورود عشایر و قبایل عرب مسلمان به ایران زمین، سیمای اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی، در نوعی آمیختگی جدید قرار گرفت و از دوره نفوذ ترکان و مغولان، همان نظام (کوچروی) با واژه‌های جدید ترکی و مغولی (ایل، اویماق، اوبه) استمرار نسبی خود را نگاه داشت. اویغوری ایل - که واژه‌ای ترکی است - به معنای گروه و اجتماعی متحرک (چادرنشین و نیمه چادرنشین) با داشتن اشتراکات خونی (کمابیش نژادی و قومی و خاندانی) و تعلقات ارضی (زراعت و شایانکاری (Pastoral) در یک منطقه در نظام ایلخانی و خانی (توانگران و کدخدایان و رئیس سفیدان و بزرگان) و جماعت‌های کوچک‌تر اویماق و اولوس (تیره و طایفه و خاندان و خانواده) معیشت کشاورزی و دامداری و متفرعات آن را برعهده داشتند. این چادرنشینان متحرک زادگاه و پایگاهی همیشگی نداشتند. خانه‌ها و کاشانه‌های خود را به آسانی برمی‌افراشتند و زندگی جدیدی را آغاز می‌کردند و به همین دلیل وفاداری کامل به یک مکان خاص به وجود نمی‌آمد، به دلیل بیلاق و قشلاق (کوچ‌نشینی) به کل منطقه وسیع‌تری علاقه‌مند می‌شدند. نیاز دقیق در اجرای شیوه‌های کار و تولید و تقسیم نعمت‌های طبیعی و دستاوردهای کاری مدیریت سنتی کارا و مورد قبول، ایلخان و خان و سردار و امیر و جز این‌ها را پدید می‌آورد که وظایف مهمی بر عهده داشتند. همین منزلت، نوعی وفاداری را

بوجود می‌آورد که به شایستگی‌ها و جنگاوری‌ها و یورش‌ها و زدوخوردهای متمادی مورد آزمایش و پذیرش قرار می‌گرفت و به همین مناسبت تکالیف زیر را عهده‌دار می‌شد.

الف) تقویت خودآگاهی قومی و طائفه‌ای و دفاع از هویت ایلی به معنای اجتماعی و فرهنگی (مذهب و زبان و آداب و رسوم) و جغرافیایی در برابر هر نوع حمله و تعرض برون ایلی.

ب) از میان برداشتن موانع درونی ایلی که گاه هویت ایلی را در معرض خطر و نابودی قرار می‌داد و سازمان دادن مهاجرت‌های فصلی و تقسیم منصفانه و اعتدال آمیز زمین‌ها و سکنای بخشیدن به صدها خانواده در یک زندگی مشترک و هماهنگ.

ج) اتخاذ سیاست دولت به شکلی که ایل در درازمدت هویت خود را نگاه دارد و تداوم زیستی و اجتماعی آن تضمین گردد و نفوذ اجتماعی و سیاسی و اخلاقی رهبران، پایدار و محتوم باقی بماند و اصل فرمانروایی و اطاعت از نیرومند حاکمیت داشته باشد.

ایلات و عشایر ایران که بیشتر در مرزهای کشور سکونت داشتند، به طور طبیعی در موقعیت‌هایی سخت‌تر می‌زیستند و سیاست‌های «برون ایلی» نابسامانی‌های بیشتری در آن‌ها پدید می‌آورد. شماره آنان دائماً تغییر می‌کرد، گروهی بدان سوی مرزها مهاجرت می‌کردند، و یا در گروه‌های دیگر تحلیل می‌رفتند. گاه تخته قاپو می‌شدند. در زمان‌هایی، چند ایل با هم متحد می‌شدند و ایلات دیگر را به سوی خود جلب و جذب می‌کردند و در خود مستحیل می‌نمودند و در بعضی مواقع از هم جدا می‌شدند و کار به منازعه و دشمنی می‌کشید. پادشاهان و قدرت‌های مرکزی نیز از تفرقه‌ها پشتیبانی می‌کردند و با عرضه اقطاع و پاره‌ای مشاغل نظامی و دیوانی، پراکندگی‌ها را توسعه می‌دادند. توده‌های ایل نشین و عشایر، همواره با همگامی افراد خانواده به کشاورزی و دامداری می‌پرداختند و فزون بر زراعت و تربیت مواشی، مشاغل دیگری چون پشم ریزی و بافندگی (توسط زنان) و فعالیت‌هایی در تهیه مواد لبنیاتی و جز این‌ها را برعهده داشتند و زندگانی خود را در پایبندی به «رحله الشتاء و الصيف» (زندگی نومادیسیم (Nomadisme) می‌گذراندند و پرورش دهنده مردان سلحشور و جنگجو بودند که چندین قرن در پهنه سیاست و حکومتگری و اقتصاد در ایران نامور گردیده‌اند.

ایلات ایران در سرزمین وسیع کشور پراکنده‌اند و هر یک از آن‌ها در چارچوب و ساختار اجتماعی و اقتصادی و پاره فرهنگی خود زندگی می‌کنند و اکثر آنان در کنش‌های

سیاسی در ارتباط با شاهان و امیران محلی (موافقت یا مخالفت) دخالت داشته‌اند. گاه مستقلند و گاه در اتحادیه‌های نظامی به حکومت و فرمانروایی و پادشاهی نیز رسیده‌اند. خانم آن لمبتون (Ann-Lambton) به پیچیدگی شناخت عشایر ایران توجه کرده است:

«در دوران اسلامی، درباره طوایف صحرانشین و نیمه صحرانشین ایران اطلاعات بیشتری در دست است. با این حال غالباً دنبال کردن جزئیات تاریخ و حرکات آن‌ها آسان نیست. شمار آن‌ها دائماً تغییر می‌کرد. کار برخی از آن‌ها بالا می‌گرفت، روابط میان آن‌ها کلاف سردرگمی را می‌ماند. ایلات نیرومند دیگران را به سوی خود می‌کشاند. آن‌ها را در خود مستحیل می‌کرد یا با آن‌ها اتحادیه‌هایی تشکیل می‌دادند که چه بسا طوایف گوناگون آن بعدها از هم جدا شده و اتحادیه‌های دیگری سازمان می‌یافتند. پادشاهان نیز دست به تجزیه ایلات و تبعید آن‌ها می‌زدند و در برابر خدمات نظامی و جز آن، به اقطاع‌های آن‌ها به سران عشایر هم باعث پرداختگی طوایف در پهنه کشور می‌شد.»^(۲)

تبویب پژوهشی - ایل قاجار یکی از ایلات ترک زبان ایران به شمار رفته که آشنایی با آن، با توجه به آشفته‌گی‌های یاد شده، پس از شناخت ترکان و ورود و مهاجرت‌های گوناگونشان به ایران روشن‌تر می‌تواند باشد. به همین دلیل فصل یکم با عنوان «نگاهی به آشنایی ایرانیان و ترکان» تهیه شده است. اما ظهور قاجاریه و حضور اجتماعی و سیاسی آن‌ها در ارتباط با سلسله صفویه شکل گرفته است و این امر از حالت‌های نخستین اجتماعی و شکل‌گیری (اویماقات قاجار) تا زمانی که به صورت یک ایل از هفت ایل معتبر و مقوم صفویه در پهنه سیاست پیدا شده‌اند، در تاریخ صفویه مشهود گردیده و از این رو در فصل دوم چگونگی آن زیر عنوان «تشکیل سلسله صفویه و نیروهای مقوم آن» مورد بررسی قرار گرفته است.

به دلیل حضور هماهنگ قاجاریان با ایلات و عشایر و نیروهای همسوی دیگر با صفویه، از این ایل کمتر شناخته شده، زیر عنوان «اتحادیه قزلباش (سازمان و عقیده)»،

در فصل سوم سخن به میان آمده به طور روشن جایگاه آنان در یک کنفدراسیون عقیدتی و نظامی بررسی شده است.

در فصل چهارم با روشنی نسبی از ایل یاد شده و تحولات اجتماعی - تاریخی آن گفتگو شده است و ریشه‌شناسی طایفه‌ای و تعلقات سرزمینی و دودمانی آن زیر عنوان «گذشته‌های تاریخی ایل قاجار» مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل پنجم معطوف به حضور قاجارها در اتحادیه قزلباش و همکاری های آنان و نخستین شخصیت های برجسته نظامی و دیوانی اویماقات و طوایف ایلی است که با عنوان «قاجارها در اتحادیه قزلباش» فراهم آمده است.

در فصل ششم از مشاغل و وظایف حکومتی قاجارها پس از شاه اسماعیل اول تا به قدرت رسیدن شاه عباس اول و قلع و قمع قزلباشان، تحت عنوان «مشاغل قاجاریان در دیوان صفوی» سخن به میان آمده است.

دسیسه ها و نیرنگ ها و اغتشاشات قزلباش و واکنش های گوناگون در برابر آن ها که قتل ها و تابسامانی های زیاد و ناتوانی های خطرناک برای نهاد سلطنت صفوی پدید آورد. در فصل هفتم زیر عنوان «فرو ریختگی اتحاد قزلباش و سیمای جدید سلطنت» مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل هشتم، سیاست شاه عباس اول در پراکندگی قزلباشان، کشت و کشتار گردنکشان و شاهزادگان و ایجاد رعب و وحشت در جامعه از طریق ایجاد قشون جدید و گسترش استبداد مطلق و تمکین نسبی ایل قاجار و پراکندگی آنان در سه منطقه گنجه و ایروان، مروشاهیجان و استرآباد و مازندران زیر عنوان «سیاست شاه عباس اول و نهاد نوین فرمانروایی» سخن به میان آمده است.

فصل نهم معطوف به تقسیم ایل قاجار و نظریات تاریخ نگاران قاجاری است. در این فصل از بازماندگان قاجار (زیادلو) در گنجه و قراباغ و ایروان و گسیل طوایف عزالدین لو به مروشاهیجان و سکونت طوایف قونلو و در استرآباد و گرگان سخن به میان آمده است.

در فصل دهم که آخرین فصل کتاب است درباره فرو ریختگی سلسله صفویه توسط گروهی از ساکنان منطقه های شرقی کشور (طوایف غلزیایی افغان های قندهار) است. در این فصل به عوامل درون جامعه ای و مفاسد و نقایص حکومتی صفویان نیز اشاره شده و روشن می سازد که در زمان های ضعف مشروعیت سیاسی و فرهنگی جامعه، هر قدرت خارجی یا داخلی به شرط داشتن نظم و انضباط و هدف مشخص، چگونه می تواند نظام های پرهیبت و حاکم را در هم ریزد و اضمحلال کامل آن ها را فراهم آورد.

در پایان سخن که تبیین دوره فرو ریختگی عصر صفویه است، در پی دورماندن ایل قاجار از آسیب های حکومتی و تقسیم آن در سه منطقه از ایران بر پایه خواست های

امنیتی، از تشکل جدید آن طوائف در استرآباد سخن به میان آمده و تکاپوهای نخستین فرمانروایی آنان را نوید می‌دهد.

کوشش نگارنده بر آن بوده که در تمام فصول از منابع و مأخذ مهم برخوردار گردد و یافته‌های دیگر پژوهشگران را بی‌نام و نشان نگذارد و بی‌تردید اگر کوشش‌های پیشگامان تاریخ معاصر ایران مدد نمی‌کرد این پژوهش که احتمالاً کمبودهایی نیز در آن موجود است، فراهم نمی‌شد.

پیوست

۱. تکمیل همایون، ناصر، «خودآگاهی و تاریخ پژوهی استاد عبدالهادی حائری»
۲. لمبتون، ان. «ایلات» (دائرة المعارف اسلام) صفحه ۱۱۱۰-۱۰۹۵.